

---

# بررسی گرایش‌های فمینیستی و رابطه آن با انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

---

دکتر مجتبی صدقاتی فرد<sup>۱</sup>، دکتر طاهره میرساردو<sup>۲</sup>، روجا آپجیان لنگرودی<sup>۳</sup>

## چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی و تبیین گرایش‌های فمینیستی و رابطه آن با انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار بود. در مبانی نظری، از تلفیق دیدگاه‌های نظری ریتزر، کاستلز، گیدنز، و پارسونز در بحث فمینیسم استفاده، و چارچوب و مدل نظری تدوین گردید. روش از نوع زمینه یابی یا پیمایش بود و ابزار پژوهش، پرسشنامه‌ی حضوری محقق ساخته بود که مورد اعتباریابی و پایایی سنجی قرار گرفت و به وسیله آن داده‌ها گردآوری شد. حجم نمونه ۳۲۷ نفر از دانشجویان دختر دو دانشکده علوم انسانی و فنی-مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار برآورد شد، و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که؛ میزان گرایش فمینیستی در نمونه مورد مطالعه در سطح متوسط رو به بالا است و این گرایش در میان دانشجویان علوم انسانی بیشتر از دانشجویان فنی و مهندسی است. همچنین باور به وجود نابرابری جنسیتی در خانواده، نابرابری در حقوق و قوانین جامعه، اعتراض به نقش زن به عنوان خانه دار صرف، نابرابری در مزایای اقتصادی زنان نسبت به مردان در سطح متوسط رو به بالا بدست آمد. نتیجه دیگر این که انگیزه‌های اقتصادی و انگیزه‌های اجتماعی-فرهنگی در گرایش فمینیستی یادشده سطح بالایی را نشان داد که با رویکردهای نظری موجود در مکاتب فمینیسم‌های سوسیال، رادیکال و لیبرال قابل تبیین و تفسیر است. می‌توان گفت افراد با توجه به موقعیت‌های متفاوت خود تمایل به گرایش خاصی در این زمینه داشته و علت اصلی نابرابری‌های جنسی را در همان موضع خلاصه می‌کنند و همین باعث می‌شود که نظرات افراد در مورد نابرابری‌های جنسیتی با یکدیگر متفاوت و منجر به گرایش‌های مختلف فمینیستی شود. ضمناً مقادیر مدلسازی لیزرل، معرّف برازش مدل پیشنهادی پژوهشگر بود.

## واژگان کلیدی:

فمینیسم، گرایش فمینیستی، نابرابری جنسیتی، نابرابری اجتماعی، نابرابری اقتصادی.

---

۱ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، استادیار گروه جامعه‌شناسی، گرمسار، ایران E-mail:sedaghati\_fard@yahoo.com

۲ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، استادیار گروه جامعه‌شناسی، گرمسار، ایران.

۳ دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

## مقدمه

مبنای نگره فمینیستی را تبعیض جنسیتی تشکیل می‌دهد که برابری و تساوی حقوقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی زنان و مردان را نفی کرده و زیر سوال می‌برد. فمینیسم را نهضتی سیاسی خوانده‌اند که هدف آن دستیابی زنان به پایگاهی مساوی با مردان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۶۵). برخی دیگر، آن را «مورد سؤال قرار دادن روابط میان مردان و زنان و عصیان در برابر تمامی ساختارهای قدرت، قوانین و قطعنامه‌هایی که زنان را سرسپرده، فرودست و درجه دومی نگه می‌دارند» (واتکینز، ۱۳۸۱)، تعریف کرده و برخی دیگر، آن را انتقادی کلی به روابط اجتماعی مربوط به سلطه جویی و سلطه پذیری که عامل آن «جنسیت» باشد شناخته‌اند (حکیم پور، ۱۳۸۲: ۳۶۲). در واقع، فمینیسم ریشه در این برداشت دارد که در مواجهه جامعه با زنان اشتباهاتی وجود دارد (بیسلی، ۱۳۸۵: ۵۵). از این رو گاه، فمینیسم عبارت شده است از هواداری از برابری اجتماعی زنان و مردان، نظریه برابری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان و مردان و اعتقاد به اصالت حقوق زن (صدری افشار، ۱۳۷۷: ۸۳). مانسبریج، فمینیسم را «تعهدی برای پایان دادن به سلطه جنس مذکر» می‌داند و آن را نهضتی معرفی می‌کند که بصورت نوعی احتجاج خلق می‌گردد (نقل از کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۱۷). فمینیست کسی شناخته می‌شود که بر این نگرش باشد؛ «زنان به دلیل جنسیت گرفتار تبعیض‌اند و نیازهای مشخصی دارند که نادیده و ارضاء نشده باقی می‌مانند که لازمه ارضای این نیازها تغییری اساسی در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است» (روزا لیند دلمار، نقل از مکنزی و دیگران، ۱۳۷۵: ۳۴۶).

تبعیض جنسیتی به مثابه مبنای نگره فمینیستی، به معنای اعمال، رفتار، پیش داوری‌ها، ایدئولوژی‌هایی است که زنان را کم ارزش تر از مردان و فرودست آنان جلوه می‌دهد. تحولات سه دهه اخیر در ایران نیز نشان می‌دهد، با گسترش اطلاعات، روند همگانی شدن آموزش عالی، تنوع و تعدد نقش‌ها، تجربه‌های اجتماعی زنان افزایش یافته و زنان ضمن آگاهی از تبعیض‌ها و نابرابری‌هایی که در قالب باورهای کلیشه‌ای جنسی به آنان نسبت داده می‌شود،

طالب سهم بیشتری از مدیریت در خانواده، جامعه، کسب تساوی در قدرت و منزلت اجتماعی و به چالش کشیدن پدرسالاری هستند. اما هنوز بسیاری از زنان ایرانی از شرایط تبعیض آمیز حاکم بر جامعه رنج می‌برند و هر یک از ایشان با توجه به سطح تجربه و آگاهی، از انواع شیوه‌ها برای کاهش و برون رفت از این وضعیت تبعیض آمیز استفاده می‌کنند (جلایی پور، ۱۳۸۳). به نظر می‌رسد جامعه پدرسالاری، همچنان اجازه حضور بیشتر زنان در کشور را نمی‌دهد و زنان با وجود مسئولیت‌های سنگینی که بر عهده دارند مورد بی‌مهری جامعه و مردان قرار می‌گیرند (دوانی، ۱۳۸۳: ۱۵).

فمینیسم پدیده اجتماعی است، زیرا بیانگر تفسیر خاص اعضاء معینی از جامعه در عرصه تعاملات گروهی و تکوین مشارکتی ساختارهایی است که مشروعیت خود را از الزامات و تعهدات آنان دریافت می‌دارند. عضویت کارکردی پدیده فمینیسم در جامعه قابل مشاهده و سنجش نیز است و می‌توان با روش‌های علم الاجتماع به تأمل بینشی در تأثیر این گرایش بر آراء و رفتارهای زنان و مردان پرداخت یا شرایط مکون چنین دیدگاهی را بررسی کرد (محمدی اصل، ۱۳۸۶: ۱۹).

نظریه‌های فمینیستی در صدد هستند تا از چشم انداز یک زن، نظام فکری گسترده و عامی را درباره ویژگی‌های بنیادی زندگی اجتماعی ارائه و الگویی را برای توصیف و تبیین زندگی اجتماعی زنان ساخته و پرداخته نمایند. در عین حال، نظریه‌های جامعه‌شناسی در مورد نابرابری جنسی (نظریه زیستی - اجتماعی، نظریه کارکردگرایی، نظریه تضادگرایی، نظریه کنش متقابل نمادین، نظریه‌های تفاوت جنسی، نظریه نابرابری جنسی، نظریه‌های ستمگری جنسی) مطرح شده است و همچنین دیدگاه‌های کاستلز، گیدنز، نظریه جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن و نظریه پدرسالاری یا مردسالاری و نظریه نابرابری جنسی در دین، پارسونز (نابرابری نقش‌های جنسیتی در خانواده)، حکیم (نابرابری جنسیتی در اشتغال)، اوکلی (نابرابری جنسیتی در خانواده)، کالینز (نظرگاه فمینیسم سیاه)، و بلن (نظریه طبقه تن آسا) در این زمینه قابل تأمل است.

معتقدان به نظریه‌های زیستی - اجتماعی، مدعی‌اند که می‌توانند موضوعاتی مانند قدرتمند

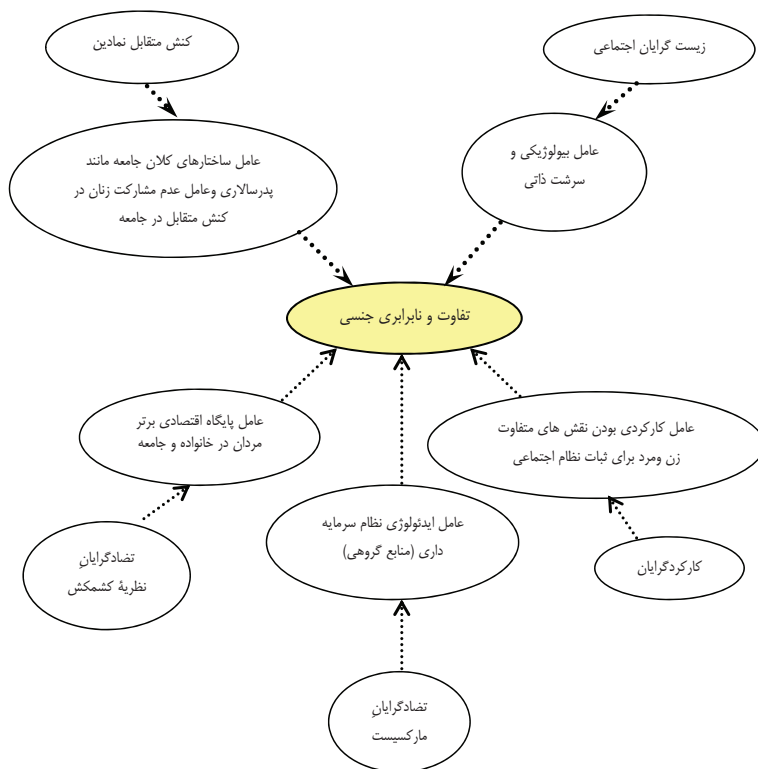
بودن و پرخاشگری مردان و تمایل زنان به کارهای خانه و نگهداری از فرزند را با عوامل بیولوژیک توضیح دهند، از جمله برآش درصدد توضیح این مسأله است که چرا "در تمامی جوامع انسانی و در بسیاری از گونه‌های حیوانی، جنس ماده وظیفه مراقبت از نوزاد را بر عهده دارند، اما پدر این وظیفه را ندارد" (هاید، ۱۳۷۷: ۲۵). و به همین دلیل است که زنان در طول تاریخ همیشه خانه داری و کار پرستاری و تربیت فرزندانشان را برعهده گرفته و مردان به کار بیرون از خانه می‌پردازند و تفاوت‌های بین زن و مرد از دیدگاه این نظریه کاملاً جنبه طبیعی و زیست‌شناختی داشته و ربطی به عوامل اجتماعی ندارد (رد، ۱۹۹۳).

کارکردگرایان بر این باورند که در همه جوامع تفاوت‌های جنسیتی وجود دارد، چرا که این تفاوت‌ها اثر مثبتی بر کل جامعه داشته است (ریتزر، ۱۳۷۷: ۴۷؛ رابرتسون، ۲۸۰: ۱۳۷۴). پارسونز معتقد است که تقسیم نقش بر مبنای جنسیت به دوام جامعه کمک و علی‌رغم نابرابری ناشی از تفکیک جنس‌ها، کل جامعه از این تمایزات بهره‌مند می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۷۶۳). او خانواده را عامل اصلی جامعه‌پذیری جنسیتی می‌داند. در جوامعی که به شدت متمایز شده‌اند، خانواده باید برای آن که کارکردی موفقیت‌آمیز در سیستم اجتماعی بزرگ‌تر داشته باشد (با جامعه یکپارچه شود)، در پی یافتن راهی برآید (دیلینی، ۱۳۸۷: ۳۷۲ - ۳۷۳). در نظریه مارکسیستی، البته تبعیض جنسیتی مسأله اصلی نیست بلکه طبقه اجتماعی مهم است که در روابط تولید با ابزار تولید تعیین می‌شود به زعم مارکس "استثمار طبقاتی مسأله اصلی است و اشکال دیگر استثمار مانند استثمار جنسی و نژادی، مسائل فرعی یا انشاقی است" (جگر، ۱۳۷۵: ۵۱).

ریتزر (۱۹۸۸)، انواع نظریه‌های فمینیستی را به سه دسته تقسیم کرده است. تفاوت جنسی، نابرابری جنسی، و ستمگری جنسی. نظریه‌های مبتنی بر نابرابری جنسی، برای فرض‌اند که تمایز بین دو جنس صرفاً مبنی بر تفاوت نیست، بلکه پیامد این تفاوت، نابرابری صریحی است که در موقعیت اجتماعی دو جنس دیده می‌شود و مربوط به سازمان اجتماعی است که در جامعه شکل می‌گیرد. دو گونه عمده نظریه فمینیستی معاصر که بر نابرابری جنسی تأکید دارند

عبارتند از : فمینیسم لیبرالی و فمینیسم مارکسیستی.

شکل ۱- خلاصه توصیف و تبیین دیدگاه مختلف جامعه شناختی از نابرابری های جنسی



در نگره فمینیسم لیبرال، مباحثی مانند مشاغل زنان، برابری زن و مرد در مقابل والدین، و نیاز به آموزش فارغ از جنسیت برای کودکان از جمله موضوعات مورد بحث است. این دیدگاه، با گذر از عرصه خصوصی، خواستار کسب آزادی‌هایی در عرصه عمومی است. فمینیست‌های لیبرال چندان علاقه به حضور در عرصه خصوصی ندارند چرا که عرصه خصوصی را محلی می‌دانند که در آن زنان درگیر رشته بی پایان از توقعات، وظایف خانه داری بی‌آجر و مزد می‌شوند (ریترز، ۱۳۷۴). لیبرال‌ها اصل را بر آزادی عملکردهای لذت جویی و رضایت خودمحورانه افراد قرار داده و نسبت به نقش مادری و همسری در خانواده‌های سنتی از آن رو که محدودکننده تمایلات افراد و خانواده است، بدبین‌اند و کار خانگی را که به طور رسمی در ردیف اشتغالات دیگر شمرده

نمی‌شود، ظالمانه می‌دانند (زیبایی نژاد، ۱۳۸۱: ۱۰۵-۱۰۴). برنارد (J. Bernard) یکی از شخصیت‌های مهم این نظریه، بر این باور است که صرف زندگی زناشویی به مرد اقتدار و آزادی می‌بخشد اما زنان را تبدیل به عنصر وابسته و ثانوی خواهد کرد. از نظر فریدان، نکته اصلی در ایدئولوژی و اقدامات لیبرال‌ها صرفاً مفهوم برابری و ارزش فرد است (فریدان، ۱۹۷۶: ۸۴). بدین ترتیب لیبرال‌ها با تأکید بر انسانیت زنان و لزوم برخورداری آنان از حقوق بشر بر مبنای برابری کامل با مردان برآیند که زنان را از همان امتیازاتی برخوردار کنند که مردان آن را تعریف کرده‌اند. هدف عمده لیبرال‌ها دسترسی برابر زنان به حوزه عمومی مردان است. به عبارت دیگر هدف وارد شدن به بازی مردان و شراکت در آن است (چپمن، ۱۹۹۵: ۹۸). بنابراین لیبرال‌ها معتقدند تفاوت‌های بین دو جنس غیر ذاتی بوده و نتیجه اجتماعی شدن و «شرطی سازی نقش جنسی» است (آبوت و والاس، ۱۳۷۶: ۲۴۶). این اندیشه از آن رو که خواهان تغییر نظامی است که رهبری عمومی و سلطه را در انحصار مردان قرار می‌دهد و خواستار انتقال آن به شکلی برابر به مردان است، اصلاح طلبانه تلقی می‌گردد (بییتس، ۱۹۷۵: ۳۶). آنها در اعلامیه حقوقی خود در سال ۱۹۶۷ خواهان اجرای قانون منع تبعیض جنسی در اشتغال، آموزش برابر و مختلط، افزودن صلاحیه برابری حقوق به قانون اساسی، حقوق مرخصی برای مادران شاغل، کاهش مالیات برای هزینه نگهداری از کودکان برای والدین شاغل و حق زنان برای کنترل باروری بودند (اوکلی، ۱۹۸۱: ۲۸). در مجموع، جریان لیبرالی معتقد است که اگر اصل به برابری کامل زن و مرد است، مردان در رفتارهای جنسی نباید از آزادی، اختیارات و امتیازات بیشتری برخوردار باشند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۲۵۳).

فمینیسم مارکسیستی، برگرفته از آراء مارکس و انگلس نابرابری را در ابتدا در جایگاه طبقاتی و سپس در جایگاه جنسیتی جستجو می‌کند. مطابق با این دیدگاه زنان در اشکال مختلف در نظام سرمایه داری استثمار می‌شوند. زن سرمایه دار، جزئی از اموال مرد سرمایه دار محسوب می‌شود. به تعبیر لوگزامبورگ او انگل یک انگل است. در گرایش مارکسیستی، پیدایش مالکیت خصوصی روابط و مناسبات اجتماعی غلط، نهاد خانواده، نظام پدرسالاری و باز

داشتن زنان از تولید عمومی از جمله عوامل مهم نابرابری میان زنان و مردان در جامعه محسوب می‌شوند. طلاق آسان، استقلال اقتصادی زنان، جدی نگرفتن روابط جنسی مواردی است که این گروه خواهان آن هستند (سعادت، ۱۳۸۲).

نظریه‌های مبتنی بر ستمگری جنسی مبتنی بر این فرض هستند که موقعیت زنان پیامد معادله قدرت بین زنان و مردان است و مردان در این رابطه نفع خود را در نظارت، سوءاستفاده و سرکوبی زنان می‌بینند. محصول این ستمکاری، شکل‌گیری یک الگوی فراگیر و ساختاری به نام پدرسالاری است. برخی نظریه پردازان این گروه بر آن هستند که علاوه بر اصلاح نظام اقتصادی جامعه، برای رسیدن به این هدف، تغییر در آموزش، کار، سرپرستی از کودکان و عرصه‌های دیگر ضروری است (مکنزی، ۱۳۷۵: ۳۷۴). بنا به اعتقاد این نظریه پردازان تکیه صرف بر آزادی، برابری و دموکراسی کافی نبوده و دخالت تمام اعضای جامعه در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی ضروری می‌باشد (ملکی زاده، ۱۳۷۶: ۱۴۵). مطابق با نگرش جامع‌گرایی در بسیاری از اوقات زنان، زنان دیگر را نیز تحت سلطه قرار می‌دهند. به عنوان انسان، زنان سفید پوست، زنان سیاه پوست را مورد ستم قرار می‌دهند.

کاستلز (۱۳۸۰) نیز، ضمن ارائه یک سنخ‌شناسی تحلیلی از نهضت‌های فمینیستی، آنها را به پنج گروه فمینیسم لیبرال - سوسیال، فمینیسم فرهنگی، فمینیسم ذات‌گرا، فمینیسم همجنس‌گرا، فمینیسم عملی طبقه بندی می‌کند. وی ویژگی مشترک انواع فمینیسم را دفاع از حقوق زنان و وظیفه بنیادی آن را ساختارشکنی (بازسازی) برساختن هویت زنان ذکر می‌کند. گیدنز نیز در نظریه جامعه‌پذیری، جنبه‌های اجتماعی شدن را یکی از عوامل مهمی می‌داند که بر ویژگی‌های زنان و ویژگی‌های مردانه تأثیر می‌گذارد و آن را مورد توجه زیاد قرار می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۶). همه افراد اعم از زن و مرد، پس از آن که به طور صحیح اجتماعی شدند و تعلیم یافتند می‌توانند بیاموزند که با سیستم اجتماعی سازگار شوند و موجودیت خود را در آن حفظ کنند (دیلینی، ۱۳۸۷: ۳۷۲).

وی همچنین در نظریه پدرسالاری یا مردسالاری خود، معتقد است اگر چه تفاوت‌های

قابل ملاحظه‌ای در نقش‌های مربوط به زنان و مردان در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد، هیچ مورد شناخته شده‌ای از جامعه‌ای که در آن زنان قدرتمند تر از مردان باشند، وجود ندارد (همان منبع). وی دین را عامل بعدی تبعیض جنسیتی می‌داند و معتقد است دین مسیح از نظر نمادگرایی و نیز سلسله مراتب آن قطعاً مردانه است. در حالی که مریم، مادر عیسی، گاهی ممکن است چنان در نظر گرفته شود که گویی دارای ویژگی‌های الهی بوده است. اما خدا، پدر است یعنی نماد مذکر و عیسی شکل بشری یک مرد را گرفت (گیدنز، ۱۳۷۶: ۵۰۰).

حکیم (۱۹۷۲) معتقد است بازار کار بر حسب جنسیت به دو صورت افقی و عمودی تفکیک شده است. زنان علاوه بر این که در مشاغل معدودی متمرکز شده اند، از نظر سلسله مراتب شغلی نیز در رده‌های پایین‌تری قرار دارند. کارخانه نیز نقطه شروع بسیار خوبی برای نشان دادن تفاوت میان نقش‌های جنسیتی زن و مرد در خانواده است (گرت، ۱۳۸۰: ۵۶).

کالینز به یک چشم انداز بر اساس نظرگاه فمینیستی سیاه شکل داده که شامل تجربه سیاه و زن بودن در ایالات متحده است. به نظر کالینز ریشه نظرگاه‌ها در فعالیت سیاسی گروه‌های حاشیه‌ای نهفته است که به شکلی جمعی علیه "ماتریس سلطه" مبارزه می‌کنند (مک لافلین، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

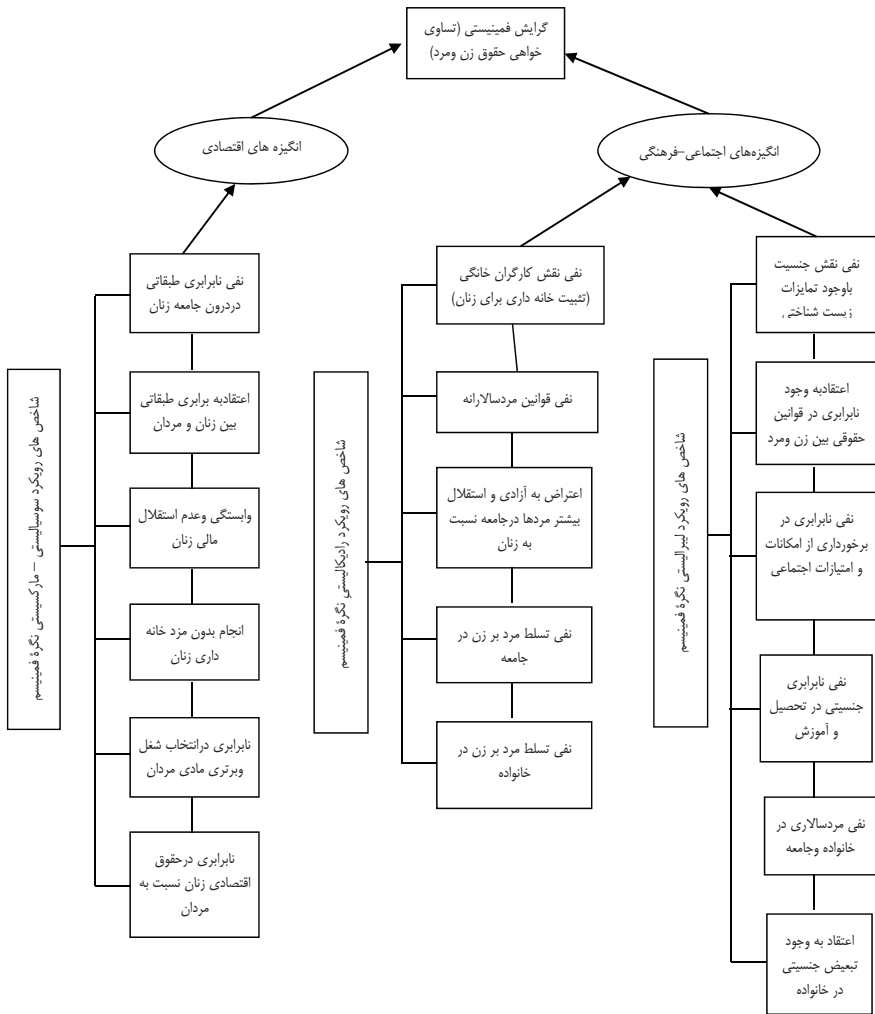
با مرور مطالب و آراء یاد شده در باب فمینیسم و انواع گرایش‌های فمینیستی، می‌توان چارچوب نظری مطالعه را طراحی کرد. مطالعه نظریه‌های گوناگون و در نظر گرفتن آنچه تاکنون در این پژوهش راجع به مفهوم فمینیسم و نگره‌های مرتبط با آن مطرح شد، ملاحظه می‌شود که هر کدام از صاحب‌نظران در مورد این مفهوم نظریات و عواملی خاص را مطرح کرده‌اند و البته گاه در نظریات برخی از آن‌ها نقاط اشتراکی نیز دیده می‌شود. در این پژوهش با تلفیق میان نظریه‌های برخی نظریه پردازان و آنچه که به عنوان یک مکتب یا گرایش مکتبی فمینیستی شناخته می‌شود، ابعاد گرایش‌های این مفهوم در نمونه مورد مطالعه شناخته می‌شود و عملیاتی کردن این مفهوم بر مبنای متغیرهای اشاره شده انجام می‌گردد. با وجود عوامل و دیدگاه‌ها که در سطور پیشین اشاره شد و با مهم شمردن و پر اهمیت قلمداد کردن همه این نقطه نظرات و



عقاید، در این پژوهش رویکردی تلفیقی از رویکردهای ذکر شده، برای طرح فرضیه‌ها و مطالعه دقیق موضوع مورد بررسی قرار گرفته و بنا بر آن، چارچوب نظری این پژوهش از دیدگاههای مکاتب سه گانه فمینیستی و نابرابری‌های جنسیتی بهره گرفته است.

با توجه به تعاریف یادشده، بررسی نگرش فمینیستی مسأله اصلی این مطالعه شناخته شد و سعی گردید به سؤالات اساسی چندی پاسخ داده شود؛ آیا گرایش‌های فمینیستی در میان جامعه مورد مطالعه وجود دارد؟ در صورت وجود این گرایش در جامعه مورد مطالعه، میزان آن چقدر است؟ در صورت وجود این گرایش، انگیزه‌های آحاد جامعه مورد مطالعه (نوع گرایش فمینیستی) کدامند؟

شکل ۲- مدل نظری پژوهش



اهداف این پژوهش عبارت بودند از بررسی کمی وجود یا عدم وجود گرایش‌های فمینیستی در میان دانشجویان دختر، سنجش میزان گرایش‌های فمینیستی، و شناسایی و طبقه بندی انواع گرایش‌های فمینیستی موجود در میان آنها به همراه بررسی مقایسه‌ای شدت یا ضعف گرایش‌های فمینیستی بر حسب گروه تحصیلی (بین دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم انسانی و فنی - مهندسی). بر اساس آنچه در مبانی نظری بحث شد، چهار فرضیه پژوهش، به شرح زیر تنظیم شدند: ۱. میزان گرایش فمینیستی در دانشجویان جامعه مورد مطالعه بیشتر

از حد متوسط است. ۲. به نظر می‌رسد نابرابری جنسیتی در خانواده (بین فرزند دختر و پسر یا زن و شوهر) بالاتر از حد متوسط است. ۳. به نظر می‌رسد نابرابری در حقوق و قوانین جامعه (یا مردسالارانه بودن محتوای قوانین) بالاتر از حد متوسط است. ۴. به نظر می‌رسد اعتراض به نقش زن به عنوان خانه دار صرف، بالاتر از حد متوسط است. ۵. به نظر می‌رسد نابرابری در مزایای اقتصادی زنان نسبت به مردان بالاتر از حد متوسط وجود دارد. ۶. به نظر می‌رسد انگیزه‌های اقتصادی در گرایش فمینیستی (فمینیسم مارکسیستی و فمینیسم سوسیال) بالاتر از حد متوسط است. ۷. به نظر می‌رسد انگیزه‌های اجتماعی-فرهنگی (فمینیسم لیبرال و فمینیسم رادیکال) بالاتر از حد متوسط است. ۸. به نظر می‌رسد گرایش فمینیستی در بین دانشجویان دختر دانشکده علوم انسانی واحد گرمسار با دانشجویان دانشکده فنی مهندسی متفاوت است.

## روش

با توجه به اهداف مطالعاتی، نوع و ماهیت این تحقیق، کاربردی - توسعه ای است، که در آن از روش غیر آزمایشی (توصیفی) استفاده شد. در این پژوهش با توجه به ماهیت آن از روش زمینه یابی یا پیمایش که نوعی مطالعه کاربردی شناخته می‌شود بهره گرفته شد و با عنایت به فرضیه‌های ارائه شده و مواجهه بودن با داده‌های کمی، با استفاده از روش پیمایشی انجام گردید. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، روش (تکنیک) مورد استفاده در این تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته بوده است. این پژوهش از نوع توصیفی و کاربردی است و روش مورد استفاده در این تحقیق با توجه به اهداف آن روش پیمایشی است.

جامعه آماری این پژوهش شامل تمام دانشجویان دختر دانشکده‌های فنی- مهندسی و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار در نیمسال اول تحصیلی ۱۳۹۰ بوده است که مطابق آمار ارائه شده از سوی اداره آموزش دانشکده‌های فنی- مهندسی و علوم انسانی واحد یادشده، تعداد کل دانشجویان نامبرده ۲۱۹۸ نفر گزارش شده است که از این میان دانشجویان دختر دانشکده فنی- مهندسی تعداد ۸۶۳ نفر (۳۹/۲٪ از کل) و دانشجویان دختر دانشکده علوم

انسانی ۱۳۳۵ نفر (۶۰/۷٪ از کل) می‌باشند. تعیین حجم نمونه از کل جامعه آماری، براساس جدول استاندارد برآورد حجم نمونه از جامعه معلوم (مورگان نقل از کریم زاده، ۱۳۸۲: ۱۴۲) محاسبه گردید که این تعداد، ۳۲۷ نفر از دانشجویان بدست آمد و براساس سهمی که مطابق درصدهای یادشده در بالا محاسبه گردید، متناسب با حجم نمونه تعداد ۱۹۹ نفر از دانشجویان دختر دانشکده علوم انسانی و تعداد ۱۲۸ نفر از دانشجویان دختر دانشکده فنی - مهندسی به عنوان حجم نمونه به پرسشنامه این پژوهش پاسخ دادند. با توجه به مختصات جامعه آماری، شیوه نمونه گیری بکار گرفته شده، نمونه گیری تصادفی ساده قرار گرفت.

در اعتبار (روایی) سنجی سنج‌ها، پرسشنامه طراحی شده آغازین در اختیار تعدادی از متخصصان قرار گرفت تا با گردآوری ارزیابی و داوری آنها مشخص شود که ابزار سنجش پژوهش تا چه اندازه قابلیت آن را دارد که متغیرهای مدنظر در این پژوهش را مورد سنجش قرار دهد. در راستای پایایی سنجی پرسشنامه در پیش آزمون، نتایج روش آلفای کرونباخ در مورد متغیرهای مستقل و وابسته، گویای آن بود که ضریب پایایی هریک از متغیرها بالاتر از ۰/۷۹ بود. مقدار آلفای محاسبه شده پس از حذف برخی گویه‌های لازم به ۰/۸۸ رسید که این امر نشان دهنده دقت یا پایایی مطلوب و مناسبی در جهت سنجش متغیرهای مورد بررسی است.

## یافته‌ها

۳۲۷ نفر حجم نمونه این پژوهش، شامل ۱۲۸ نفر (۳۹/۱ درصد) رشته فنی و مهندسی و ۱۹۹ نفر (۶۰/۹ درصد) دانشجویان رشته علوم انسانی بوده اند. در بخش آمار استنباطی فرضیات تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در زیر اشاره شده است. فرضیه‌های توصیفی پژوهش به شرح زیر مورد تحلیل آماری قرار گرفتند.

فرضیه نخست: میزان گرایش فمینیستی در دانشجویان جامعه مورد مطالعه بیشتر از حد متوسط است.

ارقام جدول و نمودار توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان به شرح شماره ۱ نشان داد که میزان گرایش فمینیستی در نمونه مورد مطالعه در سطح متوسط رو به بالا بوده است. ضمناً متوسط

نمره متغیر میزان گرایش فمینیستی نمونه آماری برابر با ۱۷۱ بوده است که در ارزیابی کلی از متغیر نمره متغیر میزان گرایش فمینیستی، به دلیل نزدیک بودن این متغیر به توزیع نرمال حکایت از وضعیت مطلوب این متغیر در نمونه مورد مطالعه دارد.

جدول شماره ۱- توزیع سطح سنجی میزان گرایش فمینیستی در دانشجویان جامعه مورد مطالعه

گزینه‌ها	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	جمع
فراوانی درصد	۶۷ ۲۰/۵	۶۸ ۲۰/۸	۶۱ ۱۸/۷	۶۷ ۲۰/۵	۶۴ ۱۹/۶	۳۲۷ ۰/۱۰۰

فرضیه ۲: احساس نابرابری جنسیتی در خانواده (بین فرزند دختر و پسر یا زن و شوهر) بالاتر از حد متوسط است.

ارقام جدول شماره ۲ نشان دهنده آن است که احساس نابرابری جنسیتی در خانواده در نمونه مورد مطالعه در سطح متوسط رو به بالا بوده است. متوسط نمره متغیر نابرابری جنسیتی در خانواده نمونه آماری نشان داد که به دلیل نزدیک بودن این متغیر به توزیع نرمال حاکی از وضعیت مطلوب این متغیر در نمونه مورد مطالعه است.

جدول شماره ۲- توزیع سطح سنجی نابرابری جنسیتی در خانواده

گزینه‌ها	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	جمع
فراوانی درصد	۷۰ ۲۱/۴	۷۹ ۲۴/۲	۶۱ ۱۸/۷	۵۸ ۱۷/۷	۵۹ ۱۸	۳۲۷ ۰/۱۰۰

فرضیه ۳: احساس نابرابری در حقوق و قوانین جامعه (یا مردسالارانه بودن محتوای قوانین) بالاتر از حد متوسط است.

همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد ۲۱/۷ درصد در سطح خیلی بالا، ۲۳/۲ درصد در سطح بالا، ۲۱/۴ درصد در سطح متوسط، ۱۷/۱ درصد پایین و ۱۶/۵ درصد نابرابری در حقوق و قوانین جامعه (یا مردسالارانه بودن محتوای قوانین) را در سطح خیلی پایین ارزیابی کرده‌اند. در تفسیر کلی باید گفت احساس نابرابری در حقوق و قوانین جامعه در نمونه مورد مطالعه در سطح متوسط رو به بالا است و متوسط آن نشان می‌دهد که به دلیل نزدیک بودن این متغیر به توزیع نرمال وضعیت این متغیر در نمونه مورد مطالعه مطلوب است.

جدول شماره ۳- توزیع سطح سنجی نابرابری در حقوق و قوانین جامعه

گزینه‌ها	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	جمع
فراوانی	۷۱	۷۶	۷۰	۵۶	۵۴	۳۲۷
درصد	۲۱/۷	۲۳/۲	۲۱/۴	۱۷/۱	۱۶/۵	۰/۱۰۰

فرضیه ۴: اعتراض به نقش زن به عنوان خانه دار صرف، بالاتر از حد متوسط است.

ارقام جدول ۴ با توجه به این که ۱۹/۶ درصد اعتراض به نقش زن را در سطح خیلی بالا، ۲۱/۷ درصد در سطح بالا، ۲۰/۲ درصد در سطح متوسط، ۲۰/۸ درصد پایین و ۱۷/۷ درصد در سطح خیلی پایین ارزیابی کرده‌اند فرض یادشده را تأیید می‌کنند. این متغیر نیز به دلیل نزدیک بودن به توزیع نرمال دارای وضعیت مطلوب در نمونه مورد مطالعه ارزیابی می‌شود.

جدول شماره ۴- توزیع سطح سنجی اعتراض به نقش زن

گزینه‌ها	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	جمع
فراوانی	۶۴	۷۱	۶۶	۶۸	۵۸	۳۲۷
درصد	۱۹/۶	۲۱/۷	۲۰/۲	۲۰/۸	۱۷/۷	۰/۱۰۰

فرضیه ۵: نابرابری در مزایای اقتصادی زنان نسبت به مردان در حد بالاتر از حد متوسط وجود دارد.

چنان که ارقام مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد احساس نابرابری در مزایای اقتصادی زنان در نمونه مورد مطالعه در سطح متوسط رو به بالا است و بنابراین فرض یادشده مورد تأیید قرار گرفت. متوسط نمره متغیر نابرابری در مزایای اقتصادی زنان نمونه آماری برابر با ۱۸/۵۶ بوده که در ارزیابی کلی از آن باید اذعان داشت که به دلیل نزدیک بودن این متغیر به توزیع نرمال حکایت از وضعیت مطلوب این متغیر در نمونه مورد مطالعه دارد.

جدول شماره ۵- توزیع سطح سنجی نابرابری در مزایای اقتصادی زنان نسبت به مردان

گزینه‌ها	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	جمع
فراوانی	۸۲	۴۴	۸۹	۶۰	۵۲	۳۲۷
درصد	۲۵/۱	۱۳/۵	۲۷/۲	۱۸/۳	۱۵/۹	۰/۱۰۰

فرضیه ۶: انگیزه‌های اقتصادی زنان در گرایش فمینیستی بالاتر از حد متوسط است.

چنانکه ارقام مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهد ۱۸ درصد انگیزه‌های اقتصادی در گرایش فمینیستی را در سطح خیلی بالا، ۲۱،۷ درصد در سطح بالا، ۲۲ درصد در سطح متوسط، ۱۸ درصد پایین و ۲۰،۲ درصد در سطح خیلی پایین ارزیابی کردند. پس فرض یادشده در این

پژوهش تأیید می‌شود.

جدول شماره ۶- توزیع سطح سنجی نابرابری در مزایای اقتصادی زنان نسبت به مردان

گزینه‌ها	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	جمع
فراوانی درصد	۸۲ ۲۵/۱	۴۴ ۱۳/۵	۸۹ ۲۷/۲	۶۰ ۱۸/۳	۵۲ ۱۵/۹	۳۲۷ ۰/۱۰۰

فرضیه ۷: انگیزه‌های اجتماعی-فرهنگی زنان در گرایش فمینیستی بالاتر از حد متوسط است.

ارقام مندرج در جدول ۷ نشان می‌دهد که با توجه به این که ۲۰/۵ درصد انگیزه‌های اجتماعی-فرهنگی را در سطح خیلی بالا، ۱۹/۹ درصد در سطح بالا، ۲۱/۴ درصد در سطح متوسط، ۱۹/۶ درصد پایین و ۶۱ نفر معادل ۱۸/۷ درصد در سطح خیلی پایین ارزیابی می‌کنند، انگیزه‌های اجتماعی-فرهنگی در نمونه مورد مطالعه در سطح متوسط رو به بالا است و بنابراین فرض پژوهش تأیید می‌شود. ضمناً نمره متغیر انگیزه‌های اجتماعی-فرهنگی نیمی از پاسخگویان مساوی یا کمتر از ۱۰۹ و نیمی دیگر بیش از آن بوده و متوسط نمره متغیر انگیزه‌های اجتماعی-فرهنگی نمونه آماری برابر با ۱۰۸ است که در ارزیابی کلی از متغیر یادشده می‌توان گفت که به دلیل نزدیک بودن این متغیر به توزیع نرمال حاکی از وضعیت مطلوب این متغیر در نمونه مورد مطالعه است.

جدول شماره ۷- توزیع سطح سنجی نابرابری در مزایای اقتصادی زنان نسبت به مردان

گزینه‌ها	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	جمع
فراوانی درصد	۶۷ ۲۰/۵	۶۵ ۱۹/۹	۷۰ ۲۱/۴	۶۴ ۱۹/۶	۶۱ ۱۸/۷	۳۲۷ ۰/۱۰۰

فرضیه ۸: گرایش فمینیستی در بین دانشجویان دختر دانشکده علوم انسانی واحد گرمسار با دانشجویان دانشکده فنی مهندسی متفاوت است.

جدول ۸ میانگین نمره گرایش فمینیستی در بین دانشجویان یادشده را نشان می‌دهد که در این صفت رشته فنی و مهندسی از میانگین ۱۶۴ و رشته علوم انسانی از میانگین ۱۷۶/۲۲ برخوردارند. با توجه به فرضیه تحقیق که از نوع فرضیه تفاوتی است و سطح معنی داری دو دامنه (۰/۰۰۰) که زیر ۰/۰۵ است ( $P \leq 0/05$ ) و حد بالا و پایین بدست آمده با فاصله اطمینان ۹۵

درصد حکایت از تفاوت گرایش فمینیستی در بین دانشجویان به تفکیک رشته تحصیلی دارد به عبارت دیگر گرایش فمینیستی در بین دانشجویان علوم انسانی بیشتر از دانشجویان فنی و مهندسی است.

جدول شماره ۸- میانگین گرایش فمینیستی در بین دانشجویان به تفکیک رشته تحصیلی

متغیر	رشته تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار از میانگین
گرایش فمینیستی	فنی و مهندسی	۱۲۸	۱۶۴,۰۰۷۸	۱۲,۸۹۱۷۳	۱,۱۳۹۴۸
	علوم انسانی	۱۹۹	۱۷۶,۲۲۶۱	۷,۹۸۱۳۰	۵۶۵۷۸

جدول شماره ۹- گرایش فمینیستی در بین دانشجویان به تفکیک رشته تحصیلی

تفاوت به تفکیک رشته تحصیلی	آزمون لیون برای واریانسها	آزمون مقایسه میانگینها برای گروههای مستقل		سطح معنی داری	F	t	درجه آزادی	سطح معنی داری دو دامنه	تفاوت میانگینها	تفاوت انحراف استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
		حد بالا	حد پایین									
گرایش فمینیستی	برابری واریانسها	۱۷۷/۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۳۲۵	-۱۰/۵۸۷	-۱۲/۲۱۸۳	۰/۰۰۰	۱/۱۵۴۱۰	۱۴/۴۸۸۷۷	-۹/۹۴۷۸۷	
	نابرابری واریانسها			-۹/۶۰۴			-۱۲/۲۱۸۳	۰/۰۰۰	۱/۲۷۲۲۱	۱۴/۲۳۷۷۹	-۹/۷۰۰۸۴	

پس از فرض‌های توصیفی، فرضیه‌های تبیینی به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفتند.  
- بین انگیزه‌های اقتصادی و گرایشهای فمینیستی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۰- ضریب همبستگی پیرسون بین انگیزه‌های اقتصادی و گرایشهای فمینیستی

متغیر	شاخصهای آماری	گرایشهای فمینیستی
انگیزه‌های اقتصادی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۷۴۱
	سطح معنی داری یک دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۲۷

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۷۴۱ و در سطح ۰/۰۰۰ معنی دار است و رابطه مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه انگیزه‌های اقتصادی بیشتر می‌شود، گرایشهای فمینیستی می‌یابد. این امر در ۷۴ درصد از موارد امکان پذیر است و بنابراین این نتیجه قابل تعمیم خواهد بود. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه



بین «انگیزه‌های اقتصادی و گرایش‌های فمینیستی» تأیید و شدت ارتباط این دو متغیر (۰/۷۴) در سطح بالایی ارزیابی می‌شود.

- بین انگیزه‌های اجتماعی و گرایشهای فمینیستی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۱- ضریب همبستگی پیرسون بین انگیزه‌های اجتماعی و گرایشهای فمینیستی

متغیر	شاخصهای آماری	گرایشهای فمینیستی
انگیزه‌های اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۸۹۹
	سطح معنی داری یک دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۲۷

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۸۹۹ و در سطح ۰/۰۰۰ معنی دار است و رابطه مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه انگیزه‌های اجتماعی بیشتر می‌شود، گرایشهای فمینیستی می‌یابد، اما نه در صد درصد موارد بلکه در ۸۹ درصد از موارد این امر امکانپذیر بوده و این نتیجه قابل تعمیم است. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه بین «انگیزه‌های اجتماعی و گرایشهای فمینیستی» تأیید شده و شدت ارتباط این دو متغیر (۰/۸۹) در سطح بالایی ارزیابی می‌شود.

- بین انگیزه‌های فرهنگی و گرایشهای فمینیستی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۲- ضریب همبستگی پیرسون بین انگیزه‌های فرهنگی و گرایشهای فمینیستی

متغیر	شاخصهای آماری	گرایشهای فمینیستی
انگیزه‌های فرهنگی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۳۲
	سطح معنی داری یک دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۲۷

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۶۳۲ و در سطح ۰/۰۰۰ معنی دار است و رابطه مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه انگیزه‌های فرهنگی بیشتر می‌شود، گرایشهای فمینیستی می‌یابد. در ۶۳ درصد از موارد این امر

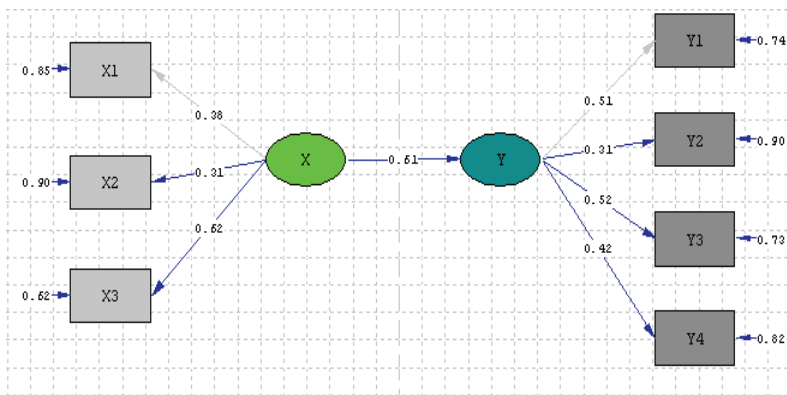
امکانپذیر است و بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه بین «انگیزه‌های فرهنگی و گرایش‌های فمینیستی» تأیید شده و شدت ارتباط این دو متغیر (۰/۶۳) در سطح بالایی ارزیابی می‌شود.

شکل ۱ الگوی ارتباط ابعاد انگیزه (X) شامل  $X_1$  «انگیزه اقتصادی» که توسط ۸ سوال،  $X_2$  «انگیزه اجتماعی» که توسط ۱۰ سوال،  $X_3$  «انگیزه فرهنگی» که توسط ۶ سوال، با ابعاد گرایش فمینیستی (Y) شامل  $Y_1$  «فمینیسم لیبرال» که توسط ۸ سوال،  $Y_2$  «فمینیسم مارکسیست» که توسط ۴ سوال،  $Y_3$  «فمینیسم رادیکال» که توسط ۸ سوال،  $Y_4$  «فمینیسم سوسیال» که توسط ۶ سوال، به عنوان متغیر وابسته اندازه‌گیری شده که با الگوی حقیقی داده‌ها متفاوت نیست.

میزان لامبدای (میزان بارگذاری یا تأثیر) متغیر پنهان بیرونی ابعاد انگیزه (X) شامل  $X_1$  «انگیزه اقتصادی» ۰/۳۸،  $X_2$  «انگیزه اجتماعی» ۰/۳۱،  $X_3$  «انگیزه فرهنگی» ۰/۶۲، که از تجمیع این شاخصها متغیر انگیزه‌ها شکل می‌گیرد و در مجموع ۰/۶۱ ضریب تأثیر گذاری دارد به عبارت دقیق تر ۶۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته گرایش فمینیستی توسط مجموعه‌ای از این شاخصها پوشش داده شده و بقیه موارد پیش بینی، توسط سایر متغیرها پیش بینی می‌شود. متغیر انگیزه فرهنگی بیانگر بالاترین شدت انسجام درونی و متغیر انگیزه اجتماعی کمترین انسجام درونی در متغیر پنهان بیرونی را نشان می‌دهد.

میزان لامبدای متغیر پنهان درونی برای ابعاد گرایش فمینیستی (Y) شامل  $Y_1$  «فمینیسم لیبرال» ۰/۵۱،  $Y_2$  «فمینیسم مارکسیست» ۰/۳۱،  $Y_3$  «فمینیسم رادیکال» ۰/۵۲،  $Y_4$  «فمینیسم سوسیال» ۰/۴۲، که از تجمیع این شاخصها متغیر گرایش فمینیستی شکل می‌گیرد. متغیر فمینیسم رادیکال بیانگر بالاترین و متغیر فمینیسم مارکسیست کمترین رقم انسجام درونی در متغیر پنهان درونی را نشان می‌دهد.

شکل ۱- مدلسازی رابطه انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با ابعاد گرایش فمینیسم



از آنجا که مقدار «شاخص نیکویی برازش» این مدل برابر ۰/۹۳ است می‌توان بیان کرد که این مدل برازش قابل قبولی با واقعیت دارد. میزان ضریب بدست آمده بیانگر اثر مستقیم انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر ابعاد گرایش فمینیسم است. همچنین مدل فوق بیانگر این است که بیشترین اثر مستقیم را می‌توان تحت‌عنوان اثر مستقیم انگیزه فرهنگی در بُعد انگیزه‌ها بر متغیر فمینیسم رادیکال در بعد گرایش فمینیستی عنوان نمود.

$$\text{ابعاد انگیزه } (0/61) = Y \text{ (گرایش فمینیسم)}$$

جدول ۹ معرّف شاخص‌های مرتبط با برازش مدل ارائه شده توسط محقق است:

جدول ۱۲- شاخص‌های مرتبط با برازش مدل

تفسیر	میزان	شاخص
برازش عالی (ملاک بیش از ۰/۹۰)	۰/۹۲	تاکر- لوتیز (شاخص برازش غیرنرم)
برازش عالی (ملاک بیش از ۰/۹۰)	۰/۹۲	بونت- بنتلر (شاخص برازش نرم‌شده)
برازش عالی (ملاک بیش از ۰/۷۰)	۰/۷۲	هولتر
برازش عالی (ملاک کمتر یا مساوی ۰/۰۵)	۰/۰۴۷	ریشه خطای میانگین مجزورات تقریب RMSE
برازش عالی (ملاک بیش از ۰/۹۰)	۰/۹۳	GFI

با تأکید بر پنج شاخص نیکویی برازش می‌توان به برازش مدل تدوین شده از یکسو و داده‌های تجربی از سوی دیگر تأکید داشت. بنابراین انطباق مطلوبی بین مدل به تصویر درآمده و یا مدل ساختاری شده با داده‌های تجربی فراهم گردیده و برازش مطلوب معرف الگویابی

معادلات ساختاری با تأکید بر اثر مستقیم انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر ابعاد گرایش فمینیسم است. در جمع‌بندی نهایی یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان مطرح کرد که مدل پیشنهادی پژوهشگر، از برازش کاملی برخوردار است، زیرا شاخص برازش غیرنرم تاکر-لونی (۰/۹۲) و شاخص برازش نرم شده بونت بنتلر (۰/۹۲)، بالاتر از ۰/۹۰ بوده است. علاوه بر آن، شاخص هولتر (۰/۷۲) بالاتر از ۰/۷۰ بوده و برازش مطلوب را نشان می‌دهد. همچنین، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (۰/۰۴۷)، کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و معرف برازش مدل محقق است.

## بحث و نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که میزان گرایش فمینیستی در نمونه مورد مطالعه در سطح متوسط رو به بالا بوده و احساس نابرابری جنسیتی در خانواده (بین فرزند دختر و پسر یا زن و شوهر) میزان بالایی را نشان می‌دهد. همچنین احساس نابرابری در حقوق و قوانین جامعه (با مردسالارانه بودن محتوای قوانین)، اعتراض به نقش زن به عنوان خانه دار صرف، نابرابری در مزایای اقتصادی زنان نسبت به مردان، در حد بالاتر از حد متوسط وجود دارد. در این راستا، انگیزه‌های اقتصادی در حد متوسط و بیش از آن انگیزه‌های اجتماعی-فرهنگی زنان در گرایش فمینیستی بیانگر میزان بالاتر از حد متوسط بود. همچنین آزمون فرضیه‌های تبیینی بیانگر وجود رابطه میان انگیزه‌های اقتصادی، انگیزه‌های اجتماعی، و انگیزه‌های فرهنگی با گرایش‌های فمینیستی بود که متغیر آخر، بیانگر بالاترین شدت و متغیر انگیزه اقتصادی کمترین شدت را نشان داد. همچنین مدل لیزرل بیانگر این بوده است که بیشترین اثر مستقیم را می‌توان تحت عنوان اثر مستقیم انگیزه فرهنگی در بُعد انگیزه‌ها بر متغیر فمینیسم رادیکال در بعد گرایش فمینیستی عنوان نمود.

از آنجا که پژوهش‌هایی که مستقیماً یا غیر مستقیم بر روی موضوع این پژوهش انجام شده باشند اندک بوده‌اند (به ویژه در ایران)، مطالعه حاضر براساس بررسی‌های به عمل آمده

گام‌های اولیه را در بررسی این موضوع می‌پیماید. می‌توان گفت در مجموع، نتایج با کلیت نتایج برخی پژوهش‌ها همسو بوده است. به خصوص در برخی از پژوهش‌های پیشین، برای نمونه، علیزاده (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی گرایش‌های فمینیستی دانشجویان دختر دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر گرایش‌های فمینیستی) نشان داده است که ۹۹٪ درصد پاسخگویان دارای گرایش‌های فمینیستی و تنها ۱٪ درصد فاقد این گرایش‌ها بوده‌اند. بنابراین، فرضیه وجود گرایش‌های فمینیستی در میان دانشجویان با نخستین فرضیه پژوهش حاضر همسو بوده است (وجود گرایش‌های فمینیستی بدون در نظر گرفتن اعداد درصد). همچنین امانی کلاریجانی (۱۳۸۴) نشان داده است که بیش از ۵۷٪ درصد از پاسخگویان بر وجود تبعیض جنسیتی در خانواده اذعان دارند که با نتیجه پژوهش حاضر در مورد نابرابری جنسیتی در خانواده همسویی دارد. همچنین است فرضیه امانی در باب وجود نابرابری جنسیتی در قوانین است که با فرضیه و نتایج این پژوهش هماهنگ است.

در این پژوهش به دیدگاه‌های نظری و بررسی‌های پیمایشی در مورد فمینیسم و گرایش‌های فمینیستی پرداخته شد. این مطالعه، براساس نظریه‌های متفاوتی است که مطابق آن، به گرایش‌های مختلف اشاره می‌شود و در واقع می‌توان گفت افراد با توجه به نظرات و هویت و موقعیت‌های متفاوت خود تمایل به گرایش خاصی داشته و علت اصلی نابرابری‌های جنسی را در همان موضوع خلاصه می‌کنند و همین مسأله باعث می‌شود که نظرات افراد در مورد نابرابری‌های جنسیتی با یکدیگر متفاوت و منجر به گرایش‌های مختلف فمینیستی شود. مطابق مبحث تقسیمات نظریه‌های سه گانه فمینیستی ریتزر انواع نظریه‌های فمینیستی به سه دسته تقسیم می‌شود: الف) تفاوت جنسی: موقعیت این دو جنس متفاوت از یکدیگرند. ب) نابرابری جنسی: این تمایز و تفاوت براساس نوعی نابرابری شکل گرفته است. ج) ستمگری جنسی: این نابرابری منجر به اعمال قدرت مردان و ستمگری آنان نسبت به زنان شده است. مطابق با هر یک از نظریه‌های فمینیستی سه گانه یک مجموعه از تبیین‌هایی وجود دارند که شامل گرایش‌های مختلف فمینیستی است که این گرایش‌ها بطور ملموس در فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است

(گرایش مارکسیستی، رادیکالی، سوسیالیستی، لیبرالی). نابرابری نقش‌های جنسیتی در خانواده در نظریه پارسونز، گویای این مسأله است که خانواده عامل اصلی جامعه پذیری جنسیت است. یعنی منشأ تفاوت‌های موجود در نقش‌های جنسیتی را در خانواده باید جستجو شود. به نظر وی کارکرد اصلی خانواده عبارت است از کمک به تکوین شخصیت انسان در بدو تولد است. همانطور که از این نظریه در فرضیه ۲ پژوهش استفاده شد با تأیید شدن این فرضیه نظریه پارسونز هم تأیید می‌گردد اعتراض به نقش زن به عنوان خانه دار صرف همچنین دیدگاه آن اوکلی در مورد نابرابری جنسی در اشتغال به این موضوع اشاره دارد که در تمام جوامع نوعی تقسیم کار بر حسب جنس وجود دارد یعنی کارهایی خاص زنان و کارهایی خاص مردان است. در همه جوامع تقسیم کار وجود دارد و همواره نیز بعضی کارها از یکی از دو جنس انتظار می‌رود، به نظر آن اوکلی تقسیم کار جنسی ساخته و پرداخته اجتماع است و ربطی به تفاوت‌های طبیعی دو جنس ندارد، یعنی شغل‌ها مهر مردانه یا زنانه می‌خورند. وی همچنین در مورد تقسیم جنسی کار در خانواده بیان می‌کند که زنان وادار به انجام کار خانگی که کاری بی‌مزد، یکنواخت، پایان‌ناپذیر، تکراری هستند و در مقابل مردان در عرصه جامعه به کار دارای منزلت، ثروت، فرصت ترفیع می‌پردازند، همچنین زنان اگر شاغل بوده و کاری بیرون از منزل داشته باشند، باز کار خانگی به عنوان کار دوم آنها محسوب می‌شود. در واقع فرضیه چهارم پژوهش برگرفته از دو نظریه آن اوکلی است که با تأیید شدن این فرضیه به اثبات نظر آن اوکلی می‌رسیم یعنی افراد اعتقاد دارند که زنان به صرف فقط نقش یا شغل بی‌مزد خانه داری دارند. همچنین مدل نظری پژوهش تلفیقی از تمام نظریه‌های بیان شده در مبانی نظری پژوهش می‌باشد که هشت فرضیه استخراج شده از آن مورد بررسی و تحلیل آماری قرار گرفته است که همه آنها مورد تأیید قرار گرفته اند.

پیشنهادها و راهکارها را می‌توان در دو بخش کاربردی و روشی تفکیک کرد:

بر اساس نتایج بدست آمده در این پژوهش، راهکارهای کاربردی زیر را می‌توان پیشنهاد داد:

۱- دقت و توجه سیاستگذاران و مسئولین قانون گذاری در کشور به مسائل زنان و بازنگری

در قوانین موجود به جهت رفع تبعیض، و جلوگیری از توسعه ایده برتری طلبی.

۲- قبل از هر چیز زنان، بویژه زنان نخبه، به عنوان بخشی از این فرآیند، که نقش مهمی در هدایت افکار دختران جوان بر عهده دارند ضمن افزایش آگاهی خود نسبت به فمینیسم و معانی گوناگون آن، در جهت روشن کردن ابعاد مثبت و منفی فمینیسم در اذهان نسل جوان تلاش کنند. در وهله دوم نیز مردان با دید عمیق تری به این مسأله نگریده و به این امر توجه داشته باشند که همه کسانی که با دید علمی به فمینیسم می‌نگرند، ادعاهایی نظیر فمینیسم یعنی زن سالاری را فقط واکنش مردسالارانه در برابر زنان می‌دانند زیرا زنان ایرانی بیش از آنکه در پی فرصتها و مسئولیتهای مردانه و معتقد به برتری زن بر مرد باشند، در پی کسب تساوی در قدرت و منزلت اجتماعی و معتقد به برابری زن و مرد هستند. به همین جهت فمینیسم در ایران باید از تعاریف و مفاهیم از پیش ساخته بیرون آمده و این مطلب بر همگان روشن شود که منظور جامعه از فمینیسم تنها جنبه مرد ستیزانه آن نبوده و نمی‌باشد. بدین ترتیب شکی نیست که عواملی مانند تسلط تفکر سنتی بر اذهان و فقدان آگاهی کامل زنان بزرگترین مانع شکوفایی فمینیسم در کشور ما است.

۳- از آنجا که فمینیسم موضوعی است که دارای ابعاد متفاوتی است پیشنهاد می‌گردد در یک تحقیق دیگر ترکیبی از دو روش مصاحبه عمیق و پیمایش استفاده شود تا امکان طرح و شناخت جنبه‌هایی از موضوع که در کار پیمایشی امکان پذیر نیست فراهم آید. زیرا کاربرد این دو روش بصورت موازی باعث می‌شود داده‌های حاصل بهتر سامان یافته و مورد تحلیل قرار گیرند. همچنین از آنجا که فمینیسم در چالش بین زنان و مردان خلق می‌گردد تحقیق دیگری می‌تواند با تغییر جامعه آماری خود از دختران، به پسران و دختران به نتایج قابل توجه دست یافته و به بررسی میزان گرایشات فمینیستی در بین پسران دانشجوی نیز بپردازد. اما این پژوهش تنها توانست به بررسی میزان گرایشات فمینیستی در بین دانشجویان دختر و تأثیر رشته تحصیلی بر این گرایشات بپردازد. پیشنهاد دیگری که می‌تواند قابل بررسی باشد، بررسی سایر متغیرها از جمله تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی، رسانه‌های جمعی، سن، جنس، محل

تولد، محل سکونت بر گرایش‌های فمینیستی می‌باشد که به نظر می‌رسد این متغیرها بر گرایش‌های فمینیستی بدون تأثیر نمی‌باشند. بنابراین بررسی و رسیدگی به همه این موارد می‌تواند کار تحقیق دیگری باشد.

## منابع

### الف - فارسی

- امانی کلاریجانی، امرالله (۱۳۸۱) توصیف و تبیین تبعیض جنسیتی. تهران: دانشگاه تهران. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- بیسلی، کریس (۱۳۸۱) درآمدی بر نظریه فمینیستی - چپستی فمینیسم. ترجمه محمدرضا زمردی. تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.
- جلالی پور، حمیدرضا (۱۳۸۱) یک ارزیابی از پوشش زنان. پلی کپی درسی. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جگر، الیسون (۱۳۸۱) چهار تعلق از فمینیسم. ترجمه س. امیری. مجله زنان. شماره ۸۲ و ۱۳.
- حکیم پور، محمد (۱۳۸۱) حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد؛ تاملی در مبادی هرمنوتیک حقوق زن. تهران: انتشارات نغمه نو اندیش.
- دوانی، فرزانه (۱۳۸۱) زنان در چالش با سنت گریزی؛ تحقیقی پیرامون حقوق اجتماعی زن در ایران. تهران: نشر نخستین.
- دیلینی، تیم (۱۳۸۱) نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی. ترجمه به‌رنگ صدیقی و وحید طلوعی. تهران: نشر نی.
- رابرتسون، یان (۱۳۸۱) درآمدی بر جامعه. ترجمه حسین بهروان. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ریترز، جرج (۱۳۸۱) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی (چاپ هفتم).
- زیبایی نژاد، محمد رضا و محمد تقی سبحانی (۱۳۸۱) درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام. قم: دارالنور.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱) دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: موسسه کیهان.
- سعادت، لیلا (۱۳۸۱) گزارش از فمینیسم، گرایش‌های این مکتب، پدیده‌ای به نام فمینیسم. سال دوم. شماره ۲۲.
- صدیقی افشار، غلامحسین و همکاران (۱۳۸۱) فرهنگ جیبی فارسی امروز. تهران: موسسه نشر کلمه.
- علیزاده، حمیرا (۱۳۸۱) بررسی گرایش‌های فمینیستی دانشجویان دختر دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر گرایش‌های فمینیستی). پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی. استاد راهنما: رحمت الله صدیق سروسستانی. استاد مشاور: حمید رضا جلالی پور.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۱) عصر اطلاعات - قدرت هویت. ترجمه حسن چاوشیان. جلد دوم. تهران: طرح نو.
- گرت، الف (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی جنسیت. ترجمه کتابیون بقایی. تهران: نشر دیگر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۱) جنسیت و دیدگاه‌های نئوفمینیستی. تهران: نشر علم.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱) از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم. تهران: نشر پژوهش شیرازه.
- مک لافلین، جانیس (۱۳۸۱) زنان و نظریه اجتماعی و سیاسی - مناظرات و گفتگوهای جاری. ترجمه



حمیرا مشیرزاده. تهران : نشر شیرازه.

- مکنزی، یان و دیگران (۵۷۳۱) مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی . ترجمه م.قائد . تهران : نشر مرکز.
- ملکی زاده، اکبر (۶۷۳۱) بررسی وضعیت مکتب فمینیسم . نامه پژوهش. تهران.
- واتکینز، آلیس (۱۸۳۱) فمینیسم . ترجمه زیبا جلالی نائینی . تهران : نشر شیرازه .
- هاید ، ژ (۷۷۳۱) روان شناسی زن . ترجمه بهزاد رحمتی . تهران: انتشارات لادن .

### ب- انگلیسی

- Abott. P & C.Wallace (1990 ) An Introduction to Sociology : Feminist Perspectives . New York and London : Routledge.
- Chapman. J (1995 ) The Feminist perspective. In Marsh and stoker – eds . 94 – 114 .
- Frieden. B (1976 ) It Changed My Life : Writings on Women s Movement . New York : Random House .
- Oakley . A (1981) Subject Women New York : Pantheon Books .
- Reed. E (1993) Sexism and Science . New York . pathfinder .
- Yates. G.G (1975) What Women want Cambridge. MA : Harvard University press.

